دغدغه‌های تأمین آب شرب و حقوق کشاورزان

■ حسین زراعتکار - کارشناس آب زیرزمینی

تأمین آب شرب شهرها و روستاها در کشور ما همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های مسئولین امر می‌باشد. تأمین آب شرب معمولاً از طریق آب‌های سطحی و یا زیرزمینی صورت می‌گیرد. درحال‌حاضر حدود ۶۰ درصد از آب شرب مورد نیاز کشور از طریق آب‌های زیرزمینی و مابقی آن از طریق آب‌های سطحی تأمین می‌گردد. تأمین آب از طریق آب‌های سطحی عمدتاً با اجرای طرح‌های سدسازی بر روی رودخانه‌ها اجرا می‌شود که هزینه‌های بالایی دارند، اما از آنجا که رودخانه‌ها به‌شدت تحت تأثیر نزولات جوی هستند، تأمین آب از این طریق آنچنان که باید قابل اتکا نمی‌باشد و گاهاً در فصل گرما به‌دلیل کاهش حجم، مخازن پشت سدها با کمبود آب مواجه شده و نگرانی‌های زیادی ایجاد می‌کنند.

البته مسئولین امر هر کجا که با مشکل روبه‌رو می‌شوند با حفر چند حلقه چاه در سفره‌های آب زیرزمینی نسبت به رفع مشکل اقدام می‌کنند. لازم به ذکر است که در نواحی شرقی و مرکزی کشور به‌دلیل شرایط اقلیمی تقریباً تمامی نیازهای آب شرب از طریق آب‌های زیرزمینی تأمین می‌گردد. ولی موضوع مهم این‌است که سفره‌های آب زیرزمینی در این مناطق به‌دلیل برداشت بیش از توان در طول سالیان گذشته با اُفت سطح آب و کاهش حجم مخازن روبه‌رو شده و ادامه این روند هر روز به ابعاد بحران افزوده‌است؛ به‌طوری‌که نه تنها آب شرب، بلکه آب کشاورزی که به لحاظ کیفی نیاز به استانداردهای کمتری هم دارد با مشکل روبه‌رو گردیده‌است. نتیجه حفر چاه‌های جدید به لحاظ فنی روشن است. درواقع، هر مقدار از آب‌های زیرزمینی از طریق چاه‌های آب شرب برداشت شود به همان میزان از ظرفیت تأمین آب چاه‌های کشاورزی آن منطقه کاسته می‌شود و بر ابعاد بحران می‌افزاید. حال جای این سوال است که آیا صاحبان چاه‌های کشاورزی که تمام زندگی و سرمایه خود را در این راه صرف کرده و آینده خویش را در معرض



هر مقدار از آب‌های زیرزمینی از طریق چاه‌های آب شرب برداشت شود به همان میزان از ظرفیت تأمین آب چاه‌های کشاورزی آن منطقه کاسته می‌شود و بر ابعاد بحران می‌افزاید. حال جای این سوال است که آیا صاحبان چاه‌های کشاورزی که تمام زندگی و سرمایه خود را در این راه صرف کرده و آینده خویش را در معرض خطر می‌بینند در این مورد هیچ‌گونه حق و حقوقی ندارند؟!

خطر می‌بینند در این مورد هیچ‌گونه حق و حقوقی ندارند؟!

وزارت نیرو که مدیریت منابع آب کشور را برعهده دارد به خود این حق را می‌دهد که به هر شکل ممکن جهت تأمین آب شرب اقدام کند، ولی به چه قیمتی؟ وزارت نیرو وقتی از طریق آب‌های سطحی اقدام می‌کند نسبت به هزینه کردن ابایی ندارد و با اینکه هزینه‌های بسیار بالایی را جهت احداث سازه‌های آبی متحمل می‌شود در عین حال خود را ملزم می‌داند که حقابه‌های کشاورزی کسانی که از رودخانه‌ها سهمی داشتند را هم رعایت نماید. اما در مورد حفر چاه در سفره‌های آب زیرزمینی خود را کاملاً مبسوط‌الید دانسته و بدون در نظر گرفتن تبعات آن نسبت به حفر چاه‌های مورد نیاز اقدام می‌نماید.

این موضوع برمی‌گردد به نوع نگاه ما به حدود اختیارات بخش عمومی و خصوصی. در کشور ما اختیارات بخش عمومی به‌شدت بر بخش خصوصی سایه انداخته است و قوانین کشور نیز غالباً به نفع بخش دولتی نگاشته شده‌اند. اما در این مورد خاص به‌نظر می‌رسد حتی قوانین موجود نیز آنچنان که باید رعایت نمی‌شود؛ به‌عنوان مثال در بخشی از ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب اعلام شده‌است: «درصورتی‌که در اثر اجرای طرح‌های عمرانی و صنعتی و توسعه کشاورزی و سدسازی و تأسیسات مربوطه یا در نتیجه استفاده از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی در ناحیه یا منطقه‌ای قنوات و چاه‌ها و یا هر نوع تأسیسات بهره‌برداری از منابع آب متعلق به اشخاص تملک و یا خسارتی بر آن وارد شود و یا در اثر اجرای طرح‌های مذکور آب قنوات و چاه‌ها و رودخانه‌ها و چشمه‌های متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی و حقابه‌بران نقصان یافته و یا خشک شوند، به ترتیب زیر برای جبران خسارت عمل خواهدشد. الف: در مواردی که خسارت وارده نقصان آب بوده و جبران کسری آب امکان‌پذیر باشد بدون پرداخت خسارت، دولت موظف به جبران کمبود آب خواهدبود. ب: در مواردی‌که خسارت وارده ناشی از نقصان آب بوده و جبران کسری آب امکان‌پذیر نباشد، خسارت وارده در صورت عدم توافق با مالک یا مالکین طبق رأی دادگاه صالحه پرداخت خواهدشد و ...».

آیا حفر حفر چاه در دشت‌های بحرانی و ممنوعه کشور هیچ‌گونه خسارتی به مالکین چاه‌های آن منطقه که ده‌ها سال در آنجا سرمایه‌گذاری کرده‌اند وارد نمی‌کند؟ بدیهی است که خسارت وارده محرز است، اما وزارت نیرو در این مورد خود را پاسخگو نمی‌داند. اگر قرار بر رعایت حقوق مصرف‌کنندگان باشد، بهتر این است که به‌جای حفر چاه جدید در دشت‌های ممنوعه نسبت به خرید چاه‌های کشاورزی که دارای کیفیت مناسبی هستند اقدام و از آن چاه‌ها برای تأمین آب شرب اقدام نمایند و یا اگر چنین چاه‌هایی یافت نمی‌شود، حداقل به همان میزانی که در اثر حفر چاه‌های جدید از سفره برداشت می‌شود از چاههای کشاورزی عادی خریداری و آنها را پُر و از حیز انتفاع خارج نمایند تا وضعیت آن دشت از اینکه هست بدتر نشود. البته ممکن است عنوان شود که این کار هزینه‌بَر است، ولی واقعیت این‌است که این هزینه در مقابل هزینه‌های سدسازی و دیگر طرح‌های تأمین آب قابل توجه نمی‌باشد. نکته مهم این‌است که کاهش حجم مخازن دشت‌ها به مثابه یک آتشفشان خاموش است که ما نسبت به آن بی‌توجه هستیم، اما به‌زودی دامن همه ما را می‌گیرد، همان‌طورکه امروز نیز شراره‌های آن در بسیاری از مناطق قابل مشاهده است. حال چرا وزارت نیرو که باید حافظ منابع آبی باشد با حفر این چاه‌ها عملاً نسبت به تشدید بحران اقدام می‌کند؟ چرا در مورد تأمین آب شرب از منابع آب سطحی هرگونه هزینه‌ای قابل توجیه است، اما در مورد حفظ منابع آب زیرزمینی که تمدن ما بر اساس آن شکل گرفته اهمیتی قائل نمی‌باشند؟

